

دکتر هوشنگ فرخجسته

مباحث نظری درباره:

● ویژگی های جوامع سنتی و جوامع صنعتی ●

مقدمه:

قبل از ورود به بحث اصلی لازم است ابتدا دربارهٔ سنخ‌شناسی جوامع و انتخاب معیارهای اینگونه سنخ‌شناسی‌ها صحبت کنیم و مؤکداً یادآور شویم که تمام سنخ‌شناسی‌ها و طبقه‌بندی‌ها در مورد جوامع، فرادادی هستند و با توجه به معیارهای مشترکی که مؤلفان و محققان انتخاب می‌کنند دستخوش تحول و تغییر می‌گردند. موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که تقسیم‌بندی جوامع به سنتی، صنعتی و اخیراً فوق‌صنعتی، ضمن پیروی از قاعدهٔ فوق از نسبی بودن برخوردار است که بی‌توجهی به آن موجب گمراهی خواهد شد. در جهان امروز بندرت می‌توان جامعه‌ای را یافت که به طور کامل و در تمام ابعاد با ویژگی‌های مطروحه در این مقاله هماهنگی داشته باشد. بحث منطقی در نهایت، پیرامون عناصر غالب در هر جامعه است. امروزه حتی در کشورهای صنعتی نیز می‌توان عناصری را یافت که بیشتر با عناصر مادی و غیرمادی جوامع سنتی هماهنگ‌اند تا جوامع صنعتی و به عکس عناصری را در جوامع سنتی یافت که در جوامع صنعتی نیز ملاحظه می‌شوند. اصولاً از دیدگاه جامعه‌شناختی پدیده‌های مختلف حیات اجتماعی هر یک آهنگ و ویژگی خاص خود را دارند و به یکسان تحول پیدا نمی‌کنند؛ بنابراین یافتن پیکرهٔ خالص و بارز جامعهٔ صنعتی بدون ناخالصی‌های جامعهٔ سنتی و نیز یافتن پیکرهٔ خالص و بارز جامعهٔ سنتی بدون ناخالصی‌های جامعهٔ صنعتی در جهان امروز اگر نگوئیم ممکن نیست، اما دشوار است. هر چند نمونه‌های انگشت‌شماری از جوامع بسیار ابتدایی هنوز هم در گوشه و کنار جهان یافت می‌شوند که نشانه‌های بارز جوامع سنتی را جلوه‌گر می‌سازند. اگر عبارت فوق را اینگونه

صلاح کنیم مقصودمان را بهتر بیان کرده ایم: امکان یافتن جامعه سنتی خالص و بارز به مراتب آسان تر از یافتن جامعه صنعتی خالص و بارز است. متأسفانه باید گفت جامعه شناسی معاصر نیز نتوانسته است همه جامعه شناسان را بر سر یک میز تفاهم بنشانند. پس باید انتظار داشت که در جامعه شناسی به چندین طبقه بندی از جوامع برخورد کنیم که هر یک بر حسب معیارهای متفاوتی بنا شده اند. با وجود این، تذکر یک نکته ضروری است و آن این که هر چند طبقه بندی ها و سنخ شناسی ها متعدد هستند، ولی از یکدیگر فاصله زیادی ندارند.

دومین مسأله که باید مورد توجه قرار گیرد ویژگی تحول گرایانه ای است که به هر نوع طبقه بندی درباره جوامع مربوط است. در نتیجه به محض آنکه جوامع را برای دستیابی به خطوط اشتراک یا افتراق مورد مقایسه قرار می دهیم، مجبور خواهیم بود تا تمایزات آنها را بر اساس درجه رشدشان در نظر بگیریم. تالکوت پارسنز جامعه شناس امریکایی اشاره می کند: «ممکن نیست که فرهنگ و سازمان اجتماعی قبیله ای را در مرکز استرالیا مشاهده کنیم و تمام نشانه ها و ویژگی هایش را با قبیله ای در شوروی برابر بدانیم. مستقل از هر قضاوت ارزشی درباره کیفیت انسانی یا اخلاقی این دو جامعه، باید نتیجه گرفت که دومی از بسیاری جهات پیشرفته تر از اولی است.»

با وجود این می توان دو نوع معیار را در جامعه شناسی مقایسه ای تمیز داد: برخی معیارها خود نسبت به سازمان اجتماعی، بیرونی محسوب می شوند، مانند وضعیت شناخت ها و معرفت ها یا تکنیک های کار که تنها بخشی از سازمان اجتماعی را دربرمی گیرند؛ از قبیل ساختار قدرت یا مناسبات اقتصادی. پاره ای دیگر از معیارها مستقیماً به ویژگی های خود سازمان اجتماعی مربوطند، مانند درجه سادگی یا پیچیدگی سازمان اجتماعی.

«اگوست کنت» (۱۸۵۷ - ۱۷۹۸) فیلسوف و جامعه شناس فرانسوی تاریخ انسانی را اساساً بر پایه پیشرفت شناخت ها تقسیم بندی می کند و در این راه قانون سه مرحله ای: ۱- مرحله ریانی، ۲- مرحله مافوق طبیعی یا متافیزیک، ۳- مرحله تحققی را مطرح می کند. «کارل مارکس» (۱۸۸۳ - ۱۸۱۸) فیلسوف، اقتصاددان و جامعه شناس آلمانی انواع جوامع را بر اساس رشد نیروها

و مناسبات تولید حاکم بر آنها طبقه‌بندی کرده است. مارکس در اولین اثر خود به چهار نوع و در دومین مقاله خویش به سه نوع جامعه اشاره کرده است:

- ۱- جماعت قبیله‌ای، ۲- جامعه آسایبی، ۳- جامعه یا شهر آنتیک، ۴- جامعه ژرمانیک، ۵- جامعه فنودالی، ۶- جامعه سرمایه‌داری بورژوازی و ۷- جامعه کمونیستی.

«فردیناند تونیس» (۱۸۵۵ - ۱۹۳۶) جامعه‌شناس آلمانی پایه‌های روانی مناسبات اجتماعی را معیار قرار داده و بر این اساس طبقه‌بندی جدیدی را ارائه می‌کند: ۱- روابط جماعتی، ۲- روابط اجتماعی، و با به عبارت دیگر ۱- جماعت، ۲- جامعه و برای هر یک ویژگی‌هایی قابل می‌گردد که بیشتر روانشناسانه‌اند تا جامعه‌شناسانه. «سامنر ماین» جامعه را از لحاظ حقوقی تقسیم‌بندی می‌کند: ۱- جامعه با حقوق منزلتی، ۲- جامعه با حقوق قراردادی. «هوارد بکر» نیز به نوبهٔ خویش تمایزی بین جوامع معنوی و غیرمعنوی قائل شده است. «کارل پوپر» جامعه باز و جامعه بسته و «مک ایور» روابط جماعتی و روابط پیوندی را مطرح می‌کند. «هربرت اسپنسر» دربارهٔ جامعه نظامی و جامعه صنعتی و «امیل دورکیم» در باب جامعه همبسته مکانیکی و جامعه همبسته ارگانیکی، و «ردفیلد» دربارهٔ جامعه قومی و جامعه شهری و «تالکوت پارسنز» پیرامون جوامع ابتدایی، جوامع میانی یا واسطه‌ای و جوامع نوین بحث می‌کند.

با توجه به مطالب مختصر فوق، در صفحات بعد ویژگی‌های جوامع سنتی را توضیح می‌دهیم و اشاره می‌کنیم که این ویژگی‌ها ممکن است در هر یک از طبقه‌بندی‌های فوق‌الذکر در یکی از مراحل مصداق پیدا کنند و یا نکنند. بهر تقدیر تأکید مقدمهٔ این مقال برای احتراز از ابهام، کارگشا خواهد بود.

سرچشمه و الوام بخش نخستین تحقیقات جامعه‌شناختی علاقه‌ای بود که در بهتر فهمیدن جامعه نوین وجود داشت. محققان مسائل اجتماعی از همان آغاز قرن نوزدهم احساس کرده بودند که تحول صنعتی، شرایط حیات انسانها را تغییر خواهد داد. برای تحلیل جامعه جدیدی که در حال تکوین بود، می‌بایست سایر انواع جوامع، شناخته می‌شدند و اصولاً بدین ترتیب بود که جامعه‌شناسی مقایسه‌ای و تحول‌گرا رایج و متداول شد. ما نیز از همین تمایل و اشتیاق پیروی می‌کنیم و هر دو جامعه را [جامعه سنتی - جامعه صنعتی یا تکنولوژیک] از سه زاویه: ساختار اقتصادی، سازمان اجتماعی و ذهنیت‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

«سنن و عادات و حافظه ما موانعی هستند که امور و حوادث را از نظر مخفی نگاه می دارند و به عنوان سوابق ذهنی، تبلی فطری ما را باری می کنند.»
ژان کوکتو.

۱- جامعه سنتی

الف - ساختار اقتصادی جامعه سنتی

ساختار اقتصادی جامعه سنتی ساده است و اعضای این جامعه نیاز خود را به طور مستقیم از طبیعت برآورده می کنند: کشت زمین، دامداری، شکار، ماهیگیری، چیدن میوه، علف، ریشه گیاهان و... پذیرش کشاورزی به ویژه برای گذر از جامعه کوچنده به جامعه ساکن بسیار مهم است. جامعه سنتی برای تهیه مسکن و ابزار از محیط طبیعی پیرامون خود سود می جوید: چوب، سنگ، خاک رس، برگ، فضولات حیوانی و غیره. برای تهیه لباس از پوست و پشم حیوانات، پوست درختان و امثال آن استفاده می کند. عامل دیگری که به اقتصاد سنتی ویژگی بسیار ساده ای می بخشد، کاربرد تکنولوژی کهن است. تقسیم کار در اقتصاد سنتی بسیار ابتدایی است. این تقسیم کار معمولاً بر اساس جنسیت و طبقات سنی صورت می گیرد. با این حال اضافه می کنیم که برخی خصلت های ویژه شغلی می توانند در جامعه سنتی نیز وجود داشته باشند. مانند جادوگری و شمنی و به علاوه انواع مختلف پیشه وران نیز که در ساخت اشیاء گوناگون تخصص پیدا می کنند، در جامعه سنتی وجود دارند.

حاصل تکنولوژی کهن و تقسیم کار ابتدایی بسیار اندک و ضعیف است. چنین اقتصادی را «اقتصاد معیشتی» می نامند. مسأله تأمین ارزاق و مایحتاج تقریباً روزانه است. فحطی و گرسنگی به طور دائم اقتصاد معیشتی را تهدید می کنند. جامعه سنتی در این شرایط جز در حالات بسیار استثنایی نمی تواند صادرکننده باشد. وسایل حمل و نقل در این جوامع بسیار ابتدایی و کند است، بنابراین دامنه تماس بسیار محدود است. مبادلات اگر وجود داشته باشد فقط با جوامع بسیار نزدیک و همسایه صورت می گیرد. پول در این قبیل جوامع وجود ندارد و یا اگر وجود داشته باشد بسیار کم به کار می رود. معاوضه شکل اساسی مبادله به شمار می رود و غالباً به صورت سنتی و تشریفاتی انجام

می‌گیرد. اقتصاد معیشتی با ملازمات مهم جمعیتی همراه است. جامعه سنتی همواره از لحاظ تعداد جمعیت محدود و از نظر پراکندگی بسیار ضعیف است. عمر متوسط در جامعه سنتی بسیار کوتاه و مرگ و میر کودکان بسیار زیاد است. مهاجرت‌ها و جنگ‌ها نیز از دیگر عوامل کاهش جمعیت به حساب می‌آیند.

ب- سازمان اجتماعی جامعه سنتی: خویشاوندی

این سازمان بر دو محور اساسی تکیه دارد: خویشاوندی و گروه‌های سنتی. این پیوستگی‌ها، شبکه پیچیده‌ای از روابط را میان اشخاص به وجود می‌آورد که از لحاظ سنتی تفاوت دارند. این روابط بر اساس حقوق، وظایف و تکالیفی بنا شده‌اند که به روشنی تعریف شده و در هنجارهای جامعه مشاهده شده و وجود دارند و گاه با احکام بسیار سخت همراهند. هر شخص با وابسته بودن یا وابسته شدن به یک گروه خویشاوندی، خود را به رعایت برخی نکات ملزم می‌سازد. خویشاوندی در جامعه سنتی عملکردهای مهمی دارد. اولین عملکردش، شخصیت بخشیدن به فرد عضو گروه است. شخص با جایگاهی که در نظام خویشاوندی اشغال می‌کند، در جامعه ادغام می‌شود. عدم تعلق به یک گروه خویشاوندی به معنای بیگانه بودن و حداقل دشمن بودن تلقی می‌شود. خویشاوندی با تکالیف بیشمار خود شبکه وسیعی از وابستگی‌های متقابل و تعاون چند جانبه را شامل می‌گردد.

اکثر فعالیت‌های مذهبی، تفریحی، اقتصادی یا نظامی در این جوامع بر اساس همین وابستگی‌ها استوارند. قدرت سیاسی نیز در بسیاری از مواقع از قدرت رؤسای خانواده یا رهبران کلان‌ها ناشی می‌شود. تقسیم‌بندی گروه‌های خویشاوندی خود را در تنظیم فیزیکی دهکده و محل‌های سکونت مشخص می‌کنند. گروه‌های خویشاوندی با رشته‌ای از تکالیف گوناگون، دیون، مسئولیت‌ها و روابط عاطفی که انسجام جامعه را تضمین می‌کنند، به یکدیگر پیوند خورده‌اند و این رشته‌های وابستگی مانع فروپاشی گروه، به گروه‌های محدودتر می‌شوند. البته نباید پنداشت که چون سازمان اجتماعی بر پایه خویشاوندی استوار است، پس بسیار ساده است. شکل‌های خویشاوندی بسیار پیچیده هستند و مردم‌شناسان بسیاری با مطالعات فراوان به این پیچیدگی‌ها اشاره کرده‌اند.

دومین محور سازمان اجتماعی در جوامع سنتی، دسته‌ها و گروه‌های سنتی هستند که گروه‌های خویشاوندی را به شکل افقی دسته‌بندی می‌کنند. حقوق و

تکالیف در جامعه سنتی به مراحل مختلف حیات انسانها وابسته هستند. به علاوه انتقال از سنی به سن دیگر غالباً با تشریفات و جشن های خاصی توأم است که مردم شناسان معمولاً آن را «آداب گذر» می نامند.

سازمان اجتماعی جوامع سنتی به طور عام به شکل فشرده و تنگاتنگی با امور مقدس و امور نامقدس پیوند خورده است. گذر از یک وضعیت و یا پذیرفته شدن در یک پایگاه همراه با آداب و سنت های جادویی یا مذهبی صورت می گیرد. قدرت در تمام سطوح - خانواده، خویشاوندی و جامعه - هم مذهبی و هم سیاسی است. قدرت سیاسی و مذهبی همواره و به شدت به هم پیوسته اند. گردش سالانه زندگی روزمره با تعداد بیشماری مراسم مذهبی و اجتماعی همراه است. انسان جامعه سنتی از بعضی هنجارها و الگوهای رفتاری اطاعت می کند که تحت نام مقدس و به نام پاسداری از جامعه بر او تحمیل می شود. شخص در جامعه سنتی در معرض کنش ضمانت های اجرایی مستقیم [تنبیه ها و تشویق های دنیوی] و ضمانت های اجرایی غیرمستقیم [تنبیه ها و تشویق های اخروی] قرار می گیرد. بنابراین نصیب و قسمت همگانی در این دنیا و در جهان آخرت در بسیاری از موافق به رفتار اجتماعی اعضای جامعه سنتی بستگی پیدامی کند.

کنترل و نظارت اجتماعی در جامعه سنتی مستقیم و بلاواسطه اعمال می شود. انسان کجرو در دهکده بسیار سریع تر از شهر بزرگ شناخته می شود. کنترل هر کس در یک جماعت محدود و فاقد ارتباط با سایر جماعت ها، به وسیله همه و به نحو تقریباً دائمی صورت می گیرد. وراجی زنانه نیز عامل نیرومندی در کنترل اجتماعی است. براساس اصطلاحی که «پارسنز» به کار می برد وابستگی فرد به جامعه سنتی بیشتر مهم است تا معین. به همین دلیل سازمان اجتماعی در چنین جوامعی ساکن و به شدت راکد به نظر می آید.

ج - ذهنیت جامعه سنتی: تجربه گرای

ابتدا باید دانست که گنجینه وسیعی شامل شناخت های علمی و شبه علمی با ارزش در جوامع سنتی - حتی در «ابتدایی ترین» آنها - وجود دارد. انسانها در کهن ترین جوامع نیز شناختی عمیق از طبیعت، خواص گیاهان، حرکت

ستارگان، امیال حیوانات و غیره داشته‌اند. اما این شناخت‌ها اساساً تجربی و فاقد چارچوب‌های تئوریک علوم جدید هستند. «لوی اشتراوس» مردم‌شناس مشهور فرانسوی ذهنیت سنتی را عمیقاً مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و برای توضیح، به مقایسه‌ای روشنگرانه بین یک فرد چند پیشه و یک مهندس دست زده است. به نظر وی، فرد چند پیشه دارای شناخت‌های تجربی، عملی، مؤثر و ماهرانه است. او طرز استفاده از مواد و ابزار را می‌داند. می‌تواند تعداد بسیاری از کارها را در خانه خویش و بدون داشتن کوله باری از نظریه‌های پیچیده انجام دهد. اگرچه مهندس گاهی فاقد ابزاری است که بتواند در خانه‌اش کار کند، ولی شناخت‌های نظری و تجربی پیشرفته‌تری دارد. *

تغییر و نوآوری در جامعه سنتی تهدیدکننده تلقی می‌شود، زیرا پایه نظم فکری و رابطه ذهنی و عملی اشیاء و موضوعات را زیر سؤال می‌برد. بنابراین محافظه کاری به شدت در جامعه سنتی رواج دارد و به روشنی پشتوانه‌ای است علیه هرآن چیزی که سنت متعارف را تهدید می‌کند. در جامعه سنتی اسطوره جای علم نظری را می‌گیرد. اساطیر، شناخت‌ها و معرفت‌های پراکنده و ناموزون را پیوند می‌دهد. اسطوره در جامعه سنتی به طور کامل جای علوم طبیعی، تاریخی و علوم اجتماعی را می‌گیرد. اسطوره بیش از آنکه توضیح دهد یا تفسیر و تبیین نماید، حکایت می‌کند.

نقش مهم تفکر اساطیری بیانگر نشانه ویژه دیگری از ذهنیت جامعه سنتی است: آمیزش امور مقدس و نامقدس رویدادها و اشیاء به تنهایی قابل توضیح نیستند، کشف حقیقت آنها توسل جستن به جهان مقدس را ایجاب می‌کند. وضع برای زندگی جمعی که خود را با الگوهای نامشهودی همساز می‌کنند، نیز چنین است. طبقات جامعه، توزیع مسکن، گردش مال یا زندگی انسانها نیز ریشه‌هایی در نظم مقدس دارند. تصور اعضای جامعه سنتی از جامعه خویش و توضیحات آنان درباره آن، در یک نظریه وسیع تکوین عالم ادغام می‌شود. نظم طبیعی و اجتماعی در این ادغام به نظامی برتر تعلق دارند که در عین حال به عنوان الگو نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. تفکر سنتی که در چارچوب جغرافیایی محدود و تنگ قرار گرفته است با وساطت اساطیر نیز نمی‌تواند از

* برای اطلاع بیشتر رک: تاریخ علم اثر جورج مارتون، ترجمه احمد آرام. تهران امیرکبیر، ۱۳۴۶.

* Claude Levi - Strauss, La Pensée Sauvage, Paris, Plon, 1962

حصار ننگ جهان خود خارج شود. اما این جهان بزرگی است که اکثر جوامع سنتی، خود را مانند مرکز آن احساس می کنند. فرد بیگانه مجبور است با همساز کردن خویش با سنت‌ها و آداب و رسوم جامعه مزبور، در آن عضو شود، در غیر این صورت دشمن تلقی شده و به شدت طرد می گردد. تفکر جادویی به طور دائم در تمام ابعاد حیات جامعه سنتی آشکار می شود. جادو در جوامع سنتی جایگزین تکنیک نمی شود و علم تجربه را نیز نفی نمی کند. جادو، تکنیک هر دو مانند ترکیبی از امور مقدس و نامقدس و آمیزه‌ای از مشهود و نامشهود عمل می کنند. در چنین جامعه‌ای آداب و رسوم، نیروی خود را از احساسات خویشاوندی، کار و گرفتاریهای مشترک می گیرند.

مردم در جوامع سنتی بسیار ست پرست بوده و به سنت‌های آبا و اجدادی پای بند هستند، زیرا دیر گاهی است که این آداب با نوع زندگی آنان و نیز کلیه فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها عجین شده است. هر گروه خویشاوندی در جامعه سنتی تنها به خود و اعضای گروه خود می اندیشد. به طوری که گاه از همسایگان خود بی خبر است، یا بر آنها رشک می برد و یا از آنها نفرت دارد و چه بسیار ملاحظه شده است که گروه‌های خویشاوندی بیگانه از مساعدت و معاضدت نسبت به همه بویی نبرده و به قتل و غارت یکدیگر می پردازند، و به استثنای اعضای همبسته گروه، خشونت، خودخواهی و قوم‌مداری نسبت به سایرین جلوه گر می گردد.

نعاون و معاضدت عمدتاً درون گروه‌های خویشاوندی معنا پیدا می کند و گاه به نوع فعالیت اقتصادی و ارتباط آن با طبیعت وابسته می شود. به طور خلاصه می توان گفت که مشخصه چنین جوامعی - قبل از هر چیز - دلبستگی و علاقه نسبت به سنت‌ها، آداب و رسوم و دشمنی با هر بدیع و غیر عادی است.

«یک سیستم اقتصادی به همان اندازه که بیشتر از دینامیسم و نیروی فعال استفاده می کند، منطقی تر خواهد بود و امری که به افزایش تولیدهای مختلف بیانجامد، عاملی مجزا و قابل تجزیه نیست، بلکه مجموعه واقیعت‌های اجتماعی و اقتصادی یک کشور است.»

ریمون آرون

۲- جامعه صنعتی یا تکنولوژیک

الف- ساختار اقتصادی جامعه صنعتی یا تکنولوژیک

انسان در محیط تکنولوژیک دیگر وابسته به طبیعت نیست، بلکه به عکس می‌کوشد تا طبیعت را با نیازها، آرزوها و خواسته‌هایش هماهنگ سازد. انسان در جامعه تکنولوژیک به مفهوم دقیق کلمه، طبیعت را «استثمار» می‌کند. این محیط از انقلاب صنعتی سربرآورده است. محیط تکنیکی به واقع از ویژگی‌های جامعه جدید محسوب می‌شود؛ محیط تکنیکی هم علت و هم معلول جامعه جدید بشمار می‌رود.

به دنبال گسترش و بسط محیط تکنیکی، ساختار اقتصادی جامعه تکنولوژیک به نحو بسیار شدیدی پیچیده شده است. اقتصاد تکنولوژیک، اقتصاد تولیدی است که مهمترین ویژگی آن تولید بسیار زیاد است. اقتصاد تکنولوژیک، اقتصادی است که همواره گسترش پیدا می‌کند: عرضه محصولات نوین به بازار و بسط بازارهای جدید از ویژگی‌های آنست. اقتصاد تولیدی برعکس اقتصاد معیشتی همواره پویاست. بنابراین، اقتصاد صنعتی لزوماً گسترده و طبیعتاً بین‌المللی است و براساس شبکه وسیع مبادله‌های فعال و مصرف زیاد اعتبار و پول پایه‌ریزی شده است. با این حال تکنولوژی و گسترش آن به تنهایی برای توضیح افزایش تولید کافی نیست. سه عامل دیگر نیز برای توضیح وجود دارند. اولین عامل، سرمایه‌گذاری زیاد است. انقلاب صنعتی در صورت عدم سرمایه‌گذاری وسیع به تحقق نمی‌رسید. در مرحله دوم اقتصاد تکنولوژیک، به تقسیم کار بسیار پیشرفته نیاز دارد. مجموعه جامعه با تخصصی شدن عملکردها و حرفه‌ها به این تقسیم کار تن در می‌دهد. در سومین مرحله، جامعه تکنولوژیک تحول قابل توجه کار بدی را در بخش تولیدی که

آنها تولید «ابتدایی» می‌نامند، به طرف بخش‌های صنعتی در تمام ابعاد و خدمات (کلیه فعالیت‌های بازرگانی، حمل و نقل، ارتباطات، خدمات حرفه‌ای و...) به دنبال داشته است. این تحول در تقسیم و ساختار کار نتایج مهمی به بار آورده که از ویژگی‌های جامعه صنعتی و تکنولوژیک است. بین تولیدکننده و مصرف‌کننده گسست ایجاد شده است. کارگر در جامعه تکنولوژیک برای بازاری تولید می‌کند که خود غالباً آنرا نمی‌شناسد.

آخرین ویژگی اقتصاد صنعتی به نحو قاطعی بر ازدیاد روز افزون و فزاینده نیازهای مصرفی تکیه دارد. «موریس هالبواکس» جامعه‌شناس فرانسوی معتقد است که نیازهای انسانی نه قطعاً ثابت است و نه مسلماً از پیش ساخته است: نیازها همراه جریانهای اقتصادی تحول پیدا می‌کنند. مراحل گسترش اقتصادی، نیازهای جدیدی را به وجود می‌آورند که این نیازها خود در پی استحکام خود برمی‌آیند. نیازها واقعیتی روانی - فرهنگی و بالنده نیز محسوب می‌شوند. همین بالندگی سطح نیازها در جامعه صنعتی است که قلمرو اصلی به شمار می‌رود و اقتصاددانان آن را قابلیت انعطاف تقاضا یا عامل اساسی گسترش صنعتی می‌نامند. تبلیغات و همه شکل‌های «نوسعه» تولیدات می‌کوشند تا تقاضا را با افزایش دائمی سطح نیازهای مصرف‌کنندگان بالا ببرند؛ امری که کاملاً با آنچه که در جامعه سنتی وجود دارد، متفاوت است.

ب - سازمان اجتماعی جامعه تکنولوژیک
سازمان اجتماعی جامعه صنعتی یا تکنولوژیک تعداد بیشماری عناصر با ساختار را در بر می‌گیرد که در جامعه سنتی وجود ندارد. جامعه صنعتی علاوه بر خویشاوندی و گروه‌های سنتی که هنوز هم پس از گذشت سالها از اهمیت فراوان برخوردارند، برخی عملکردهای خاص خویش را دارد: حرفه‌ها، طبقات اجتماعی، شرکت‌ها و مؤسسات اداری، احزاب سیاسی، سندیکاها، مؤسسات انتفاعی و... ویژگی مسلط در سازمان اجتماعی جامعه تکنولوژیک، پیچیدگی آنست.

بسیاری از جامعه‌شناسان به چندگانگی نقش‌هایی اشاره کرده‌اند که

شخص باید در جامعهٔ تکنولوژیک به عهده داشته باشد. بنا بر این چنین جامعه‌ای تعداد کثیری رابطه بر اعضای خود تحمیل می‌کند. از پیچیدگی جامعهٔ تکنولوژیک باز هم می‌توان سخن گفت: قطعه قطعه شدن شخصیت افراد و رفتارشان به تنوع و گوناگونی ساختارهای جامعه بستگی پیدا می‌کند. سازمان اجتماعی جامعهٔ صنعتی بر تولید، شرایط و ثمرات آن مبتنی است. انسان در جامعهٔ تکنولوژیک نه تنها در عرصهٔ صنعتی، بلکه در میدان فکری، هنری، سیاسی و نیز مذهبی باید تولیدکننده باشد. انسان جامعهٔ تکنولوژیک بی‌وقفه در پی «اندیشه‌های جدید»، «ارزشهای نو»، «فلسفه‌های نوین» و کشفیات علمی است. این انسان باید بسیار و بدون درنگ تولید کند، چرا که خود و سایرین، انباشت در خور توجهی از مواد، اشیاء، اندیشه‌ها، تصاویر، آثار هنری و بت‌های گوناگون را به مصرف می‌رسانند. کار همواره در زندگی روزمرهٔ جامعهٔ سنتی نیز حضور دارد و تأمین معیشت به مبارزهٔ طاقت‌فرسا و هم‌روزه نیاز دارد، اما جهان کار در جامعهٔ صنعتی و تکنولوژیک سازمان یافته، شالوده‌ریزی شده و عقلایی است.

در جامعهٔ سنتی شخص از پایگاهی محوّل برخوردار است و یا به عبارت دیگر شخص از پایگاهی برخوردار می‌شود که از بدو تولد یا در مراحل مختلف زندگی و بدون تمایل و اراده شخصی به او داده شده است. در جامعهٔ صنعتی برعکس، پایگاه محقق مسلط می‌گردد و یا به عبارت دیگر شخص در جامعهٔ صنعتی، پایگاه اجتماعی خویش را بر اساس کار خود به دست می‌آورد. پایگاه محوّل (یا واگذاری و معین شده) همچون تضاد بودن با به وجود آوردن، با پایگاه محقق در تضاد واقع می‌شود. برای شناختن یک شخص در جامعهٔ سنتی می‌پرسند «او پسر کیست؟» در حالی که جامعهٔ صنعتی می‌پرسد «چکاره است؟» این موضوع خود مبین اهمیت کار در جامعهٔ تکنولوژیک است.

چون جامعهٔ تکنولوژیک یک جامعه‌ای تولیدی است، بنابراین از دیدگاه جامعه‌شناختی، جامعه‌ای حرفه‌ای شده نیز به شمار می‌رود. از یک طرف جهان کار در این جامعه در پی تقسیم بی‌وقفه تلاشها، به اشتغالات کثیر تقسیم می‌شود و از طرف دیگر این شبکهٔ وسیع اشتغالات گوناگون، جامعه را کاملاً همچون توری در خود جا می‌دهد. بیکار بودن در این جامعه، تنها موجب از دست رفتن درآمد نمی‌شود، بلکه فقدان پایگاه و برخی تنزل‌های اجتماعی را نیز به دنبال خواهد داشت. اگرچه اشتغالات در جامعهٔ تکنولوژیک متعدد و

متنوعند، لیکن بر اساس نظامی سلسله مراتبی تقسیم شده‌اند. جهان کار در جامعه تکنولوژیک ویژگی خاص و بااهمیت دیگری نیز دارد. این جهان کار بوروکراتیزه می‌شود. در جامعه نوین، تعدد اشتغالات و رشد مؤسسات بزرگ، بوروکراسی را بیش از همیشه ضروری کرده است. دولت، مؤسسه صنعتی یا تجاری، مؤسسات مالی، آموزشی، بیمارستانها، کلیساها، مساجد، سندیکاها، احزاب سیاسی و... از جمله سازمانهای بوروکراتیک به شمار می‌روند. جهان کار حرفه‌ای و بوروکراتیزه شده، تمرکز شدید جمعیت را به دنبال دارد. بنابراین، جامعه تکنولوژیک لزوماً جامعه‌ای شهری است. شهرهای بزرگ می‌توانند آشکارترین نماد و جذاب‌ترین واقعیت جامعه تکنولوژیک محسوب شوند. شهرهای جدید در هر حال کامل‌ترین تصویر «محیط تکنیکی» هستند. تفوق جهان کار لزوماً با برتری ساختار اقتصادی در سازمان اجتماعی همراه است. جایگاه ساختار اقتصادی در جامعه صنعتی با نشانه‌های چندی همراه است. هر چند قدرت سیاسی از قدرت مذهبی ناصله گرفته است، اما این دوری و فاصله به سبب آنست که قدرت سیاسی به قدرت اقتصادی نزدیک گشته است. دولتمردان دنیای سیاست نمی‌توانند به قدرتمندان دنیای اقتصاد بی‌توجه باشند. پول در جامعه صنعتی به ابزاری تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز مبدل می‌شود و تحت عناوین مختلف به مصرف می‌رسد. زمان کار، استعداد کارگر، تجربه، قدمت و سابقه کار همگی با ارزش پولی که معیار اساسی است، محاسبه می‌شوند. پول همچنین معیار سنجش اعتبار، آمریت، نفوذ، وظایف و مسئولیت‌های وابسته به یک مقام است. پول در نظام بوروکراسی جدید و جامعه تکنولوژیک به مثابه نماد سطوح سلسله مراتب نیز به کار می‌رود.

طبقات اجتماعی را در جامعه تکنولوژیک متبلورتر، مشخص‌تر و روشن‌تر می‌بینیم. طبقات اجتماعی محصول مستقیم یک جامعه تولیدی و کار به شمار می‌روند. تمرکز تعداد بیشمار کارگر در یک مؤسسه بزرگ و در شهر، آگاهی جمعی را بر منافع مشترک اعضای دسته‌ها یا گروه‌های اقتصادی واحدهای تولیدی در پی خواهد داشت. با این حال دست یافتن به آگاهی جمعی و مشترک تنها خاص طبقات اجتماعی نیست. این آگاهی در شکل بندی تعداد بسیاری از مؤسسات اداری و جنبش‌های اجتماعی گوناگون مانند احزاب سیاسی، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، باشگاه‌ها، و... دخالت دارد. هر یک از این مؤسسات می‌توانند به عنوان «گروه فشار» عمل کرده و غلبه و یا له منافع خاصی اقدام کنند.

یکی دیگر از ویژگی‌های متمایز جامعه تکنولوژیک کثرت نخبگان در چنین جامعه‌ای است. اگرچه جامعه سنتی نیز شاهد نظام نخبگان است، اما تعارض و پویایی در درون نظام نخبگان جامعه صنعتی عصری دانسی است و نظام نخبگان جامعه تکنولوژیک برعکس جامعه سنتی به شدت پیچیده و غیرساکن است. حال با توجه به این تحلیل مختصر، بهتر می‌فهمیم که چرا جامعه صنعتی را اصطلاحاً «جامعه پیچیده» نیز نامیده‌اند. آری پیچیده است، زیرا تعیین محورهای اصلی سازمان اجتماعی در چنین جامعه‌ای کاملاً دشوار است. وانگهی روشن است که چرا علم جامعه‌شناسی در چنین جامعه‌ای به وجود آمده، جامعه‌ای که به شناخت و فهم بهتری از خود نیازمند است.

ج - ذهنیت جامعه صنعتی یا تکنولوژیک

ذهنیت جامعه صنعتی، غیراساطیری است، هرچند یافتن نشانه‌های فکری جادویی و اساطیری در پیشرفته‌ترین جوامع صنعتی نیز کار دشواری نیست. غیراساطیری شدن در دو زمینه شناخت‌ها و رفتارهای ذهنی از یک سو و در نظم اخلاقی از سوی دیگر ملاحظه می‌شود. علم، جهان را غیراساطیری کرده است و یا به عبارت دیگر علم با توضیحات عقلایی و علمی جانشین توضیحات اسطوره‌ای شده است. عقلانیت در زمینه کنش علمی، خواستار جست و جوی دانسی در عینی‌ترین ابزار مؤثر برای دستیابی به هدفهای معین است. هدف و ابزار دیگر به عنوان امور مسلم و محقق در نظر گرفته نمی‌شوند، بلکه همواره بازبینی شده و زیر سؤال قرار می‌گیرند. آشکار است که این طرز تلقی ذهنی و عملی عقلانیت ریشه انقلاب صنعتی و پیشرفت علمی و تکنیکی بوده است. عقلانیت اعتقاد قاطعی به علم را که بی‌تردید پایه‌اساسی و مشخص‌ترین نشانه ذهنیت جامعه صنعتی است، در پی خواهد داشت. به علاوه علم همچون عنصری بالنده و در حال پیشرفت دائم پذیرفته و شناخته می‌شود. پس اعتقاد به علم لزوماً اعتقاد به پیشرفت و توسعه دائم و بی‌پایان را به دنبال خواهد داشت. موضوعی که باعث تعجب انسان از جامعه تکنولوژیک می‌شود، کشف واکسن علیه بیماری فلج اطفال نیست، بلکه تأخیر در کشف علل بیماری «سرطان» و «ایدز» است.

تغییرات و نوآوری‌ها در جامعه صنعتی دیگر تهدیدکننده به شمار نمی‌روند. ذهنیت تکنولوژیک درست برعکس ذهنیت سنتی، باعث تغییر می‌گردد و خود این تغییر نیز موجب پیشرفت می‌شود. تغییر و پیشرفت به

موازات هم حرکت می کنند. انسان علمی، مدیر اداری و انسان سیاسی میاس پیشرفت به شمار می آیند. جامعه تولیدی که همواره در حال توسعه است، بر نوآوری همیشگی تکیه دارد و زمینه ایجاد ذهنیتی را مساعد می کند که خواهان تحول است. نظام تحصیلی و آموزشی در جامعه تکنولوژیک عملاً به پیشرفته ترین و گسترده ترین شکل خود می رسد و به عنوان متمایزترین نهاد اجتماعی درمی آید. با این وجود آشکار کردن برخی دوگانگی های آموزشی در جامعه تکنولوژیک یک کار دشواری نیست. در این جامعه شاهد تعارضی پنهان یا گاهی آشکار بین نظریه پردازان، کارورزان، محققان و مدیران اداری، انسانهای اهل فکر و اهل عمل هستیم. با این حال، پیشرفت های آموزشی و علمی نتیجه مهم و دیگری نیز در پی دارند: جامعه صنعتی و تکنولوژیک، محیط اختلاط اندیشه هاست. عقلانیت برای رشد کامل خود، حاشیه نسبتاً وسیعی را برای آزادی فکر طلب می کند. این فضا و حاشیه آزادی و بحث، خواهان روحیاتی است که تغییر و نوآوری را پذیرفته و بتواند تعارضهای ارزشی را که تقریباً به طور دائم وجود دارند تحمل کنند. جامعه تکنولوژیک نیاز دارد که اعضایش در حد وسیعی با مسائل و موضوع های نو همساز شده و ظرفیت دفاع از خود را در برابر نایبمنی روانی که حاصل همان تعارضهاست، داشته باشد. از این دیدگاه، جامعه تکنولوژیک در مقایسه با جامعه سنتی کمتر «امنیت بخش» است.

در ذهنیت تکنولوژیک نوعی تضعیف انگیزه ها را مشاهده می کنیم که می توان آن را «الهام فوق اجتماعی» نامید. به عبارت دیگر انگیزه هایی که از توصیه های اخلاقی الهام می گیرند ضعیف شده و جای خود را به اخلاقی به مراتب اجتماعی تر می دهند انسانها در جامعه تکنولوژیک - چه از نظر فردی و چه از لحاظ اجتماعی - کمتر با انگیزه ها و ضمانت های اجرایی منافذی برانگیخته می شوند. جامعه تکنولوژیک ویژگی فردیت یافته تری و در بعضی موارد درونی تر شده ای را پیدا می کند.

کثرت گرایی مذهبی و اخلاقی از دیگر ویژگی های جامعه صنعتی است. در جامعه تکنولوژیک دیگر به وحدت مذهبی و اخلاقی که از ویژگی های جامعه سنتی بود برنمی خوریم. در زمینه مذهبی هم - همچون زمینه اخلاقی - به روحیه انتقادی، آزادی اندیشه، تنوع وسیع در زمینه انتخابهای فردی، طریقه عمل گوارا کردن امور مذهبی، تعدد رفتارهای اخلاقی گوناگون و گاه متناقض برمی خوریم.

سرانجام آخرین جنبهٔ ذهنیت تکنولوژیک را یادآور می‌شویم. این جنبه شامل احساس شدید برتری نسبت به جامعهٔ سنتی است. شهر بزرگ عملاً و معمولاً مرکز مغزی و عصبی جامعهٔ تکنولوژیک به شمار رفته و محل تردد و برخورد اندیشه‌های نوین، جنبش‌های اصلاح طلبانه، مدها و غیره است. فرهنگ تکنولوژیک و شهری برای جوامع سنتی پیرامون خود، سرشتی حمله‌جویانه دارد. مشاهده عکس و خلاف این حالت عملاً و تقریباً ممکن نیست. شهرنشینان با رحم و دلسوزی توأم با تحقیر به روستاییان می‌نگرند و معتقدند که روستاییان عقب‌مانده و وامانده‌اند. اما در اینجا باز می‌توان به برخی دوگانگی‌ها برخورد. دلسوزی توأم با تحقیر و تمسخر شهرنشینان با نوعی حسرت نیز آمیخته است. حسرت به زندگی فردی روستایی که در دامان طبیعت زندگی می‌کند و مالک و ارباب مزرعه خویش است.

نتیجه‌گیری:

هر دو سنخ جامعه که توصیف کردیم - جامعهٔ سنتی و جامعهٔ تکنولوژیک - در واقع ساخته و پرداخته ذهن نظریه پردازان است. هیچ جامعهٔ واقعی و عینی در تمام نکات با این دو سنخ جامعه اشتراک ندارد. بی‌تردید این سنخ‌های آرمانی که توصیف شد بر اساس مشاهدات تجربی جوامع واقعی ساخته می‌شوند، اما عناصر متشکله‌شان با نوعی نیت گسترش افراطی در هر یک از نشانه‌ها همراهند. این الگوهای تصویری و نظری در این مباحث به ویژه در بیان ناهماهنگی‌های جامعهٔ نوین با جامعه‌ای که بسیار متفاوت‌تر از آنست و ما آنرا جامعهٔ سنتی نامیدیم، به ما کمک کرده و تمایز و ویژگی‌های هر یک را بهتر آشکار کرده است. ■

نشر توسعه منتشر کرده است:

□ کتاب توسعه (مجموعه نظریه‌ها) جلد اول

جمع نویسندگان، مترجمین و صاحب‌نظران

۱۲۸ صفحه - ۶۵۰ ریال

□ جامعه‌شناسی توسعه - چاپ اول

یان روکس پرو - ترجمه دکتر مصطفی ازکیا

۲۶۴ صفحه - ۱۳۰۰ ریال

□ الگویی برای توسعه اقتصادی ایران - چاپ اول

دکتر ابراهیم رزاقی

۲۲۴ صفحه - ۱۲۰۰ ریال

□ تحول عصر (مسائل ایران و جهان معاصر) چاپ اول

موسوی خوزستانی

۱۹۴ صفحه - ۹۰۰ ریال

□ روش‌های مثلثات

احمد فیروزنیا - پرویز شهریاری

۵۰۴ صفحه - ۷۰۰ ریال

□ ستار قره‌داغی (نمایشنامه) چاپ اول

فرزانه آقائی پور

۱۲۸ صفحه - ۸۰۰ ریال

□ مکانی به وسعت هیچ (داستان بلند) چاپ اول

فتح‌الله بی‌نیاز

۲۶۴ صفحه - ۹۵۰ ریال

□ آشنایی با ریاضیات (جلد ۳۱) چاپ اول

جمع نویسندگان

۱۲۸ صفحه - ۵۰۰ ریال

□ پسر ماهیگیر - داستان - چاپ اول

فرشته معادی

۸۰ صفحه - ۶۰۰ ریال

□ حلقه نفوذناپذیر گرگ‌ها (داستان بلند) چاپ اول

فتح‌الله بی‌نیاز

۱۹۲ صفحه - ۱۲۰۰ ریال